

## چالش های دولت جدید افغانستان

م.ع. اطرافی

رئیس جمهور جدید افغانستان در زمان و شرایطی از جانب مردم انتخاب میشود که افغانستان در خلی قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، بحران امنیتی و فساد گسترده دست به گریبان هست که از جانب دولت ۱۳ ساله آقای کرزی برایش به میراث میماند. فقر، فساد و بیعدالتی در جامعه بیداد میکند. از جانب دیگر بارک اوباما هم از خروج کامل عساکر امریکا تا ختم سال ۲۰۱۶ رسمن اعلامیه صادر کرد. طالبان را دیگر تروریست نمیداند با طالبان آشتی کرد و اسیران یکدیگر را تبادل کردند. این شرایط و اوضاع ناشی از عملکرد های سیاسی، اقتصادی، نظامی و استخباراتی ۱۲ ساله امریکا، ناتو و دولت فاسد آقای کرزی میباشد که با هم تباخی داشتند و مستقیم در رقم زدن سرنوشت ۱۳ ساله کشور و جامعه افغانی دخیل بودند و هستند. بایست مسئولیت آنرا یکجا با هم بعهده بگیرند.

حضرت صاحب مجددی در دوره چهار ماهه ریاست جمهوری خود اردوی ملی افغانستان را متلاشی ساخت و اکثریت سلاحهای ذقیمت و پیشرفته زمینی، هوایی، تعرضی و دفاعی کشور را از نزدش به یغما بردند و در پاکستان به قیمت های نازل فروختند و یا تحفه دادند. باقیمانده سلاح های دست داشته افغانستان را تحت برنامه دی دی آر محو و نابود کردند آنها را به اردوی افغانستان تسلیم ندادند.

با وصف امضای موافقتنامه سترا تریک، امریکا از تسلیح اردوی افغانستان به سلاحهای دفاعی مورد نیاز افغانستان ابا و ورزید. صرف چند هلکوپتر را از روسیه برای افغانستان خریداری کرد و بدین ترتیب افغانستان را در خلی قدرت دفاعی کشانید و به پاکستان جرئت بخشید که از ماورای خط دیورند بالای ولایت شرقی افغانستان توپ زنی و راکت پرانی میکند و امریکا بحیث متحد سترا تریک افغانستان آنرا با خون سردی نظاره میکند و هیچ عکس العملی در مقابل ان از خود نشان نداده و نمی دهد.

در متن قرارداد امنیتی هم تجهیز اردوی افغانستان بصورت مشخص تعهد نشده است که آقای کرزی مسوده آنرا با وزیر خارجه امریکا شخص نهایی کرده بود و در اخیر دوره ریاست جمهوری خود از امریکا فاصله گرفت و از امضای

قرارداد امنیتی خود داری کرد. خود را از اتهام دست نشانده امریکا برائت داده و بحیث شخصیت ملی رنگ شده تبارز کرده است. مسئولیت امضاء قرارداد امنیتی را که خود نهایی کرده بود به دوش رئیس جمهور جدید افغانستان میاندازد و دولت جدید افغانستان را در یک عمل انجام شده و در بنبست در گیر میسازد. اگر قرارداد امنیتی با امریکا امضاء نشود افغانستان به سرنوشت عراق دچار خواهد شد که قبلن تهدید شده است. اگر قرارداد امنیتی را بدون تعدیل و اصلاح متن آن امضاء کند عواقب منفی و مثبت آن برای افغانستان چه خواهد بود! که تاریخ در باره اش قضاوت خواهد کرد.

با امضای قرارداد امنیتی اگر امریکا نیازمندی سلاحهای دفاعی افغانستان را تکافو نکند و درمقابل تعرض کشورهای همسایه از افغانستان حمایت و دفاع نکند امضای قرارداد امنیتی برای افغانستان چه مفهومی خواهد داشت!

دولت جدید افغانستان برای امنیت ملی و دفاع از تمامیت ارضی خود ناگزیر است سلاحهای دفاعی خود را از سایر کشورها خریداری و تکمیل نماید تا از امنیت ملی خود مستقلانه دفاع کرده بتواند. روسیه یگانه کشور یست که میتواند نیازمندی خرید سلاح دفاعی افغانستان را بر آورده بسازد. اما خرید سلاح از روسیه در شرایط کنونی خالی از خطرات نیست. امریکا و روسیه در عمق بحران اوکراین در گیر شده اند که امریکا و ناتو در حالت پیشروی و تهاجمی قرار دارند و روسیه در حالت دفاعی قرار دارد. روسیه از پیشروی ناتو و امریکا به سوی مرزهای خود سخت نگران است. معلوم میشود که روسیه برای دفاع از امنیت ملی خود از همه قدرت و توانایی خود استفاده خواهد کرد تا پیشروی امریکا و ناتو را متوقف بسازد. امریکا هم بخاطر و یا به بهانه دفاع از اوکراین با سوقیات جدید، عساکر و پایگاههای نظامی خود را در اروپای شرقی و ماورای سرحدات روسیه و بحیره سیاه و شرق دور جابجا نموده و اردوی هردو کشور در مقابل همدیگر موضع گرفته اند. تبلیغات وسیع قدرت های غربی و ناتو علیه روسیه و چین و در محاصره نظامی کشاندن این دو قدرت شرقی موئید این احتمالات است که نظم نوین جهانی بسوی اهداف نهایی خود گام برداشته و در منطقه و جهان علیه روسیه و چین تبلیغات وسیعی

را براه انداخته و سایرکشور هارا در چوکات ناتو سازماندهی کرده میروند تا این دو قدرت شرقی را که باهم متحد شده اند در انزوای جهانی بکشانند. اگر این تهدیدات نظامی دو طرف بچه ترسانک نباشد دور از احتمال نیست که بحران کشور اوکراین به کل منطقه سرایت کند و جنگ وسیع منظوقوی را رقم خواهد زد که بیشترین تلفات و خسارات را اوکراینی ها متحمل خواهند شد. انکشاف بحران اوکراین بین امریکا، ناتو و روسیه بالای اوضاع افغانستان تأثیرات منفی بجا میگذارد.

با خروج کامل عساکر خارجی و عدم تجهیز اردوی افغانستان، دولت جدید ناگزیر است با روسیه، چین، کشور های منطقه و سایر کشور ها نیز تجدید روابط دوستانه کند و سلاحهای مورد نیاز خود را از آن کشور ها خریداری کند تا بتواند با تروریزم و مداخلات حامیان تروریزم مقابله کند. در چنین حالتی بیم آن میرود که جنگ استخباراتی (نیابتی) و اقتصادی دو قدرت غربی و شرقی بین طالبان و دولت انتخابی مردم در افغانستان دوباره شعله ور شود و سناریوی جنگ سرد نیابتی در افغانستان بار دیگر تکرار شود.

تجدید روابط امریکا و طالبان و حمایت آقای کرزی از طالبان هم آهنگی راهبردی دارد. امریکا میخواهد از طریق سازش با طالبان امنیت خروج تجهیزات ثقیل و پیشرفته نظامی خود را از طریق یگانه راه زمینی پاکستان تضمین نماید و نقش و نفوذ پشت پرده آقای کرزی را در دولت جدید از طریق تهدید و فشار طالبان برجسته بسازد.

اگر بخواهیم که بالای سیاست سر درگم امریکا در افغانستان قضاوت کنیم باید در قدم اول اهداف نظم نوین جهانی و عملکرد امریکا را در ۱۲ سال گذشته در افغانستان مو شگافی کنیم. بعد از حمله نظامی امریکا به افغانستان برای اولین بار نظم نوین جهانی و ابر قدرت تک قطبی جهان از جانب جورج دبلیو بوش رئیس جمهور وقت امریکا اعلام گردید و با تروریزم تعریف نشده و تفکیک نشده جنگ را اعلام نمود که تر و خشک در ردیف تروریزم تعریف شدند. که امروز استعمار نو، قدرت ها و دولت های مطلق العنان و استبدادی جهان مخالفین خود را متهم به تروریست نموده سرکوب مینمایند که برایشان جواز قانونی داده شده است.

امریکا با شعار های نیک به افغانستان حمله نظامی کرد و امارت بنیادگرای

طالبان را از قدرت بر انداخت و علیه تروریسم جنگ را اعلام کرد. همچنان علیه کشت و قاچاق مواد مخدر هم جنگ را اعلام نمود. هدف عمده حضور سیاسی و نظامی امریکا، ایساف، ناتو و دیگران در افغانستان دموکراسی، تأمین صلح و ثبات، اعمار مجدد و بازسازی افغانستان اعلام گردید.

برای رسیدن به این اهداف نیک چندین کنفرانس جهانی را در کشورهای اروپا، جاپان، امریکا و افغانستان دایر نمودند و ملیارد ها دالر کمک های سخاوت مندانه دوستان افغانستان را جلب و دریافت کردند. تا اینجا همه امور به خوبی و امید واری به پیش رفت.

در مرحله دوم که تحقق شفاف برنامه ها و اهداف، اداره و منجمنت سالم و نظارت از تطبیق برنامه های بازسازی و اعمار مجدد افغانستان مد نظر بود کار به فساد و بیراهه کشانیده شد. خارجی ها و دولت افغانستان از حسابدهی سرجمع کمکهای ملیارد دالری اعطاء شده به افغانستان طفره رفتند و هم از گذارش صورت حساب مصارف ملیاردها دالر که در کدام بخشها بمصرف رسیده و چه مبلغ آن به یغما برده شده اباء ورزیدند. در راه مبارزه با فساد خشت های خام را در آب گذاشتند و از آب گذشتند. نظام افغانستان را به فاسد ترین نظام اجتماعی در جهان تبدیل و معرفی کردند که بازدهی این عملکردها برای مردم و کشور ما بسیار ناگوار و گران تمام شده است. تلفات انسانی از ناحیه ترویج فساد که مردم مظلوم افغانستان را به زندگی زیر فقر کشانیده و مردم را به پخته کشته میروندچندین بار بیشتر از قربانیان جنگ تروریسم طالبان است که مردم را با بمهای انتحاری و بمهای جاده ی و سلاحهای گرم به قتل رسانیدند و میرسانند که مسئولیت آن به عهده خارجی ها و داخلی های مفسد میباشد که کمک های ملیاردالری را به یغما بردند. فساد، رشوت و اختلاس را جز فرهنگ نظام اداری افغانستان ساختند. این کشتار های نامرئی در رسانه ها و مطبوعات کشور هم تا امروز نامرئی مانده است.

هیچ گروه حقوق بشر تا بحال اوضاع رقتبار فامیل هایکه در افغانستان زیر خط فقر زندگی میکنند گذارش نداده اند که چه تعداد اعضای اسیب پذیر این فامیل ها در اثر فقر غذایی، امراض گوناگون، شرایط نامساعد صحی و زندگی، نوشیدن آبهای غیر صحی سردی های زمستان و گرمای تابستان و عدم دسترسی به داکتر و درمان سالانه چه تعداد این مظلومان زندگی شان را از دست میدهند.

این بی تفاوتی سازمانهای حقوق بشر چنین توجیه میشود که حق زندگی انسانها در فهرست حقوق بشر جهانی شامل نمیشود و از همین سبب است که با زندگی و مرگ مردم در سطح جهان به بی تفاوتی برخورد میشود.

رهبران دینی و مذهبی هم از حال و احوال این مظلومان نا آگاه و بیخبر هستند. موثر حامل حضرت صاحب مجددی هر روز از سرک کابل - قرغه مسیر خانه و کار اش میگذرد که در جوار آن در چهاراهی قمبر خیمه های فرسوده این مظلومان بدبخت دیده میشود که موجب توجه و عاطفه حضرت صاحب قرار نکرده که از کمک های میلیارد دالری شرایط بهتر زندگی را برای آنها فراهم میکرد. سهم و حقوق شان از کمک های جهانی به یغما برده نمیشود. درحالیکه سرمای زمستان و یخبندان ده ها طفل این مظلومان رابه کام مرگ فروبرده و میبرد. ای کاش حضرت صاحب برای این مظلومان هم استخاره میکرد و این مظلومان را از بدبختی و مرگ نجات میداد و یا علیه فساد که زندگی ۹۰ در صد مردم ما را متأثر ساخته و سالانه میلیارد ها دالر دارایی های ملی افغانستان به یغما برده شده از کشور خارج ساخته میشود جهاد اکبر را اعلام میکرد که نکرد. در پروژه فساد ملیاردها دالر کمک های بین المللی به یغما برده شد و معادن ستراتریک و گران بهای افغانستان هم ربوده شد. کشت و قاچاق مواد مخدر در موجودیت نیروهای خارجی چندین برابر افزایش یافت.

تروریزم نه تنها کوبیده نشد بلکه به حمایت استخبارات مثلث و کشورهاییکه تروریزم را در افغانستان پایه گذاری کرده بودند و با حمایت آقای کرزی به یک قدرت چریکی تبدیل شده رفت که جای پای امریکا را در افغانستان داغ ترساخت که آقای اوباما خروج کامل عساکر خود را تا آخر سال ۲۰۱۶ رسمن اعلام نمود. افغانستان را در یک جنگ نابرابر چریکی در گیر ساختند که از جانب قدرت های استعماری، دولت ها و استخبارات سیه کار منطقه و جهان حمایت میشود. اقتصاد ورشکسته چالش بزرگی دیگر است که در مقابل دولت جدید قرار دارد. امریکا با طالبان آشتی کرد و از صحنه جنگ فرار میکند و افغانستان را بار دیگر تنها میگذارند. در رسانه ها گفته میشود که امریکا در افغانستان شکست خورده در پی خروج ابرومندانه عساکر و تجهیزات جنگی اش از افغانستان میباشد. اگر دولت افغانستان قرارداد امنیتی را امضاء کند و یا نکند اردوی امریکا در وقت تعیین شده از افغانستان خارج میشود.

علت اساسی آن را چنین می‌پندارند که قوای امریکا در افغانستان در محاصره رقبای بزرگ، مخالفین و کشورهای اسلامی آزرده خاطر قرار دارد. ساحه مانورهای نظامی بحری ندارد، اکمالات و مانورهای زمینی قوای امریکا و ناتو در افغانستان محدود میباشد و شرایط جغرافیای افغانستان برای جنگهای چریکی علیه قدرت‌های امپریالیستی مساعد میباشد که امریکا خود آنرا تجربه کرده است.

اگر انکشاف روابط امریکا و طالبان به ایجاد صلح و ثبات در افغانستان بیانجامد، مردم افغانستان اشتباهات گذشته امریکا را تا حدی نادیده خواهند گرفت. اگر متن قرارداد امنیتی کابل - و اشنگتن به توازن منافع مشترک امریکا و افغانستان تعدیل و اصلاح شود فصل جدید اعتماد بین افغانستان و امریکا گشوده خواهد شد که از آرزوهای مردم افغانستان و مردم امریکا میباشد. در غیر آن اگر دوستی‌ها به فشار و تهدید تحمیل شود در روابط متوازن و دوستانه افغانستان و امریکا هیچ کمکی نخواهد کرد.

برای اینکه در سیاست به بیراه نرویم در قدم اول باید از اهداف نظم‌نویین جهانی امریکا خود را آگاه بسازیم که در افغانستان، منطقه و جهان چه برنامه‌ها و اهدافی را دنبال میکند. آیا نظم‌نویین جهانی با دولت‌های انتخابی مردم که هویت ملی دارند اعتماد کرده میتواند. یا تنها بالای دولت‌های دست‌نشانده خود حساب میکند. تجارب تاریخی نشان داده که استعمار با دولت‌های ملی تضاد‌های آشتی‌ناپذیر دارند. باید در این موارد دولت انتخابی مردم بادقت تفکرو عمل کند و در سیاست گزینه‌های اول، دوم و سوم را نیز مد نظر داشته باشد که در کدام یک از این گزینه‌ها منافع ملی، صلح و امنیت افغانستان برآورده شده میتواند و کدام گزینه افغانستان را به ادامه فساد، اسارت، بحران و خون‌ریزی میکشاند.

نقش ملل متحد در حل قضایای خونین جهانی به نقطه صفر سقوط کرده که دو نماینده ارشد ملل متحد در حل بحران سوریه استعفاء دادند. بعد از اعلام نظم‌نویین جهانی هیچ معضله خونین جهانی از طریق مسالمت‌آمیز و از طریق ملل متحد حل و فصل نشده بلکه روز تاروز شدید تر شده رفته و به اطراف خود سرایت کرده است. افغانستان که در بحران امنیتی، اقتصادی و فساد تا گلو غرق شده همه هست و بود جامعه ما را به خطر انداخته، بیشتر از دیگرکشورها

در اتخاذ تصمیم، طرح و عملکرد برنامه های ملی خود با تعقل و درایت عمل کند و قدرت های استعماری را علیه خود تحریک نکند. امریکا از خود اهداف و پالیسی های دارد که بخاطر گل روی این و آن رئیس جمهور انتخابی مردم برنامه های ستراتیژیک خود را تغیر نمیدهد. از خاطرات مردم فراموش نشده است که در سالهای گذشته دولت شاهی افغانستان تقاضای کمک نظامی را از امریکا کرد. دولت امریکا آقای نکسن معاون رئیس جمهور آنوقت امریکا را به افغانستان فرستاد تا اوضاع افغانستان را از نزدیک مطالعه و با دولت افغانستان در میان بگذارد. اینکه در مذاکرت دولتین چه موضوعات مطرح شد، افشاء نشد. اما بعد از بازگشت آقای نکسن به امریکا گفته های از نقل قول موصوف در رسانه ها پخش شد که گفته بود "از شاه تا پایین ترین کارمند دولت اش مفسد هستند" که در کلیات و واقعیت چنین نبود. با نشر این خبر در کابل مردم برضد این توهین به مظاهره پرداختند و این اظهارات آقای نکسن را محکوم کردند. امریکا هم کمک های محدود خود را به افغانستان به تعلیق در آورد و ازدادن کمک های نظامی به افغانستان خود داری کرد. دولت افغانستان مجبور ساخته شد که برای دفاع از تهدیدات پاکستان از اتحاد شوروی وقت سلاح خریداری نماید.

حال که دولت و نظام افغانستان بحیث شرکت سهامی مفسدین، اختلاس گران، رشوت خوران و مافیای مواد مخدر تبدیل شده و کشورهای غربی انرا با چشمان خود نظاره کردند گمان نمیرود که امریکا به افغانستان کمک های نظامی دلخواه افغانستان را بدهد و پول مالیه دهندگان امریکارا به دسترس دولت فاسد افغانستان قرار بدهد که از آن سوء استفاده شود. مگر اینکه منافع نا محدود اقتصادی امریکا در افغانستان تأمین گردد. دولت جدید افغانستان باید متوجه شود که دولت امریکا کمک سخاوتمندان خود را قطع کرده صرف به کمکهای محدود خود اتکاء میکند. دولت جدید باید با فساد مبارزه جدی کند و دستگاه دولت را از مفسدین پاک نماید و اعتماد جهانیان را جلب نماید تا کمک های شان را به افغانستان ادامه بدهند و عزت و اعتبار افغانستان در سطح جهان اعاده شود. افغانستان باید در فکر جستجوی منابع مالی دیگر هم باشد. موقعیت ستراتیژیک افغانستان توجه قدرتهای جهانی را در مدت بیش از دو قرن گذشته جلب کرده که با طرح سیاست عدم انسلاک و توازن مناسبات دوستانه با

قدرت ها و کشور ها از کشمکش قدرتهای منطقی و جهانی تا حدودی در افغانستان جلو گیری شده است. زمانیکه سیاست عدم انسلاک افغانستان به سیاست جانب دار تبدیل شد جنگ نیابتی دو قدرت شوروی و امریکا در افغانستان آغاز شد و تلفات و خسارات جبران ناپذیری را بر مردم و کشور ما تحمیل کردند.

در شرایط کنونی که دو قدرت جهانی امریکا و ناتو با روسیه و چین روبرو شده اند افغانستان را در یک موقف حساس قرار داده که مناسبات دوستانه خود را با هر دو قدرت باید حفظ کند تا صلح و ثبات در افغانستان استقرار یابد. دولت جدید در اینباره با دقت و درایت سیاست خارجی خود را بررسی، بازرسی و طراحی نماید تا یک توازن را بین دو قدرت غرب و شرق برقرار نماید و از هر دو قدرت کمک دریافت نماید

یگانه راه پیروزی افغانستان در این امر نهفته است که طرفداران و مخالفین کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان مانند جوامع متمدن جهان رئیس جمهور انتخابی مردم را بحیث رئیس جمهور کل کشور بپذیرند و از دولت جدید افغانستان حمایت نمایند که از طریق انتخابات شفاف به قدرت میرسد که از آرزوها و خواستههای همه مردم افغانستان و جهانیان میباشد تا دولت بتواند پلان ها و برنامه های کاری خود را باموفقیت به انجام برساند و صلح و ثبات را در کشور برقرار بسازد. به هیچصورت به تخریب دولت اقدام نشود که باعث عقبمانی در کار ها شود که به ضرر مردم، کشور و وحدت ملی ما تمام میشود.

آنچه که موجب نگرانی شده اینست که دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به جبهه گیریهای قومی کشا نیده شده و با تحریک احساسات قومی جریان انتخابات ریاست جمهوری دور دوم را در جبهتی کشانیدند که دشمنان دموکراسی از موقع استفاده کرده دو بم انتحاری علیه کاندید پیشتاز دور اول انتخابات را در مسیر کمپاین انتخاباتی اش منفجر ساختند که چندین نفر کشته و زخمی شدند و کاندید پیشتاز دور اول معجزه آسا جان به سلامت برد. دشمنان دموکراسی که در این هدف شان ناکام شدند دور از احتمال نیست که برای ناکامی کاندید پیشتاز به تقلبات گسترده دست نزده باشند.



در نظام فاسد کنونی بالای کی اعتماد شده میتواند که با ایمان داری آرای پاک را از ناپاک جدا بسازند و به آرای مردم احترام بگذارند تاحق به حقدار داده شود. اگر نمک فاسد شود پوسیدگی را پاک کرده نمیتواند. باید نمک فاسد به نمک پاک عوض شود.

از مصاحبه ی ستاد های انتخاباتی هردو کاندید معلوم میشود که هردو کاندید خود را حق به جانب دانسته یکدیگر را متهم به تقلب میکنند و با استدلال های سفسطه جویانه و ماهرانه خود را برائت میدهند.

اگر کاندیدی با مهندسی دسیسه و تقلب آرای پاک مردم را بی اثر بسازد در این باره چه باید کرد؟ کمسیون های انتخابات اگر آزادی تصمیم، اراده و عمل مستقل را داشته باشند و در مهندسی تقلبات بعضی کارمندان ارشد اش شریک نباشند، میتوانند به آسانی آرای پاک را از آرای ناپاک تفکیک نموده به بحران تقلب خاتمه بدهند و بگذارند که کاندید ریاست جمهوری که بیشترین آرای پاک مردم را کسب کرده است بحیث رئیس جمهور منتخب مردم اعلام شود.

اگر بالای آرای پاک و ناپاک بین دوکاندید کشمکش صورت بگیرد و نتایج انتخابات به بحران کشانیده شود، مسئولیت آن بدوش کیها میباشد و کیها از این بحران بهره مند میشوند؟ چه باید شود که از بحران جلوگیری شود که هم لعل بست آید و هم یار نرنجد.

یگانه مرجعیکه بحران تقلبات را قانونی حل کرده میتواند دوکمسیون مستقل انتخابات است که به شکایات و اعتراضات هردو کاندید بیطرفانه و صادقانه رسیدگی نماید و از جانب داری علنی و مخفی تحت هرگونه فشار از جانب حلقات قدرتمند جامعه خود داری کنند و در حضور نمایندگان هردوکاندید با شمارش و تفکیک آرای پاک از ناپاک به قناعت شان پرداخته شود. در غیر آن بحران ادامه خواهد یافت ولکه سیاه بحران تقلب به دامان کمسیونهای مستقل انتخابات ثبت اوراق تاریخ خواهد شد.

اخیرن دوکتور عبدالله از ملل متحد تقاضا کرده است که در امور انتخابات افغانستان مداخله کند و در حل بحران انتخابات، افغانها را کمک و یاری کند. این یک اشتباه است که سرنوشت، اراده و آرای مردم قهرمان افغانستان به ملل متحد داده میشود. باید چنین قضایای داخلی در داخل افغانستان در محضر مردم حل و فصل شود. دکتور نجیب اله رئیس جمهور اسبق

افغانستان هم بالای ملل متحد اعتماد کرد به توصیه ملل متحد قدرت دولتی را مسالمت آمیز به مجاهدین تسلیم نمود. بعد از تسلیمی قدرت توطئه علیه اش چیده شد با اعتمادی که بالای ملل متحد داشت به مقر سازمان ملل متحد در کابل پناهنده شد. سرنوشت پناهندگی اش در مقر ملل متحد در کابل به قتل فجیعانه خودش و برادرش انجامید که هر دو در چهار راهی آریانا به دار آویخته شدند.

دکتور عبدالله روی کدام سوابق نیک ملل متحد بالایش اعتماد میکند.

رئیس جمهور انتخابی مردم هم باید طرفداران، مخالفین و همه اقوام کشور را بحیث ملت واحد افغانستان بپذیرد و دولت مشارکت ملی و شایسته سالاری را تشکیل نماید تا در اجرای پلانها و برنامه های کاری خود به توکل خدا "ج" و حمایت مردم موفق و کامیاب شود.

زنده و پاینده باد افغانستان. من الله توفیق. ۱۹ جون ۲۰۱۴